اشکال: عدم انطباق خط مقسّم لیل و نهار بر نصف النهار؛ مستلزم تفاوت غروب و رؤیت هلال در بلاد واقع بر یک طول جغرافیایی

جلسه قبل برگهای دادند، راجع به بحث رؤیت هلال. چهار صفحه است اما چون تصویری نقشه دارد، متن آن کمتر است. حاج آقای حسن زاده میفرمودند آدم که دست به قلم میگیرد خیلی از زوایای بحث برای خودش و دیگران، روشن میشود. عبارت دیگری داشتند. علی ای حال نوشتن مطلب و توضیح دادن آن خیلی فایده دارد. هر چه هم که شما زحمت بکشید من به سهم خود خوشحال میشوم و هم استقبال میکنم. لذا ایشان زحمت کشیدهاند، من فرمایش ایشان را مرور میکنم و مطالبی هم که دارم عرض میکنم.

فرمودهاند: با توجه به اختلاف تقریباً بیست و سه درجهای دائره معدل النهار و دائرة منطقة البروج که در اصطلاح به آن میل اعظم میگویند، در مناطقی که هم طول هستند و عرض جغرافیایی متفاوت دارند، در تمامی روزهای سال طلوع و غروب خورشید، در یک ساعت اتفاق نمی افتد. بلادی که عرضهای مختلفی دارند طلوع و غروبشان در یک ساعت نیست. البته فرمودند: برای نمونه طلوع و زوال و غروب خورشید شش روز از سال را در سه نقطه که تقریباً هم طول هستند بررسی میکنیم؛ تنکابن، قم و بوشهر.

خُب به شش روز نیاز نیست، سه روز هم کافی است. و بلکه دو روز هم کافی است. شش روز برای وضوح بیشتر است. سه نقطه هم نیاز نیست، دو نقطه هم کافی است. ولی سه نقطه برای این است که یکی از آنها وسط باشد و دو طرفش هم باشند. برای وضوح بیشتر به این صورت فرمودهاند.

میفرمایند: طول جغرافیایی تنکابن، قم و بوشهر همه پنجاه درجه است. از مبداء رسمی گرینویچ. عرض جغرافیایی تنکابن، سی و شش درجه است، قم سی و چهار درجه است و بوشهر، بیست و هشت درجه. پس عرض ها مختلف است ولی طولها واحد است. خُب طلوع و غروب این سه شهر یکی هست یا نه؟ طولها حدوداً واحد است. یعنی تقریباً در نصف النهار شریک هستند. خُب حالا طلوع و غروب آنها به چه صورت است؟ فقط فرمودهاند تنها در دو روز در سال، این طلوع و غروبها یکی است. در اعتدال بهاری در بیست و نهم اسفند و اعتدال پاییزی در یکم مهر. طلوع و زوال و غروب در این سه منطقه

در یک زمان است. جدول آن را هم آورده‌اند و نقشه هایی را هم اضافه کرده‌اند.

در بیست و نهم اسفند و اول مهرماه، غروب آفتاب در تنکابن هجده و هجده دقیقه است. در قم هم هجده و هجده دقیقه است، در بوشهر هم همینطور است. چرا؟ چون در بیست و نه اسفند است؛ در اعتدال بهاری است. چون نصف النهارها نزدیک هم است پس طلوع و غروبها هم یکی است. این برای این دو روز. اما در غیر از این دو روز به این صورت نیست. ایشان به پانزدهم اردیبهشت و پانزدهم تیر مثال زده‌اند. پانزده اردیبهشت وسط فصل بهار است؛ قلب الربیع است. اما پانزده تیر قلب تابستان نیست. وقتی علماء میخواستند شدت گرما را بگویند میگفتند قلب الاسد. قلب الاسد پانزدهم مرداد است. پانزده تیر قلب السرطان است. ولی قلب الاسد وسط کل تابستان است. بعد از اعتدال بهاری در نیم کره شمالی روزها بلند میشود و در نیم کره جنوبی کوتاه میشود. میفرمایند: در مناطق شمالی طلوع زودتر و غروب دیرتر است. چون هر چه شمالی تر باشد طول روز در ایام تابستان بیشتر است. خُب ال محاله وقتی طول روز بخواهد بیشتر باشد، از طرف طلوع و غروب، مقداری اضافه میشود.

در این جدول آمده: در پانزدهم اردیبهشت طلوع آفتاب در تنکابن پنج و نه دقیقه است، غروب آفتاب هجده و پنجاه و هشت دقیقه است. روزش طولانی تر از قم است. در قم طلوع آفتاب پنج و سیزده دقیقه است و غروب هجده و پنجاه و چهار دقیقه است. پس روز قم کوتاه‌تر است، هم از حیث طلوع و هم از حیث غروب. چرا؟ چون عرض تنکابن بیشتر است. عرض قم کمتر است. بوشهر هم چون عرضش خیلی کمتر است، طلوعش پنج و بیست و سه دقیقه است اما غروب آن هجده و چهل و پنج دقیقه است. چقدر از آنها جلوتر است. جدول های آن هم به همین صورت است.

> 6:24

شاگرد: عرض بوشهر از کجا کمتر است؟

استاد: بوشهر عرضش از قم و تنکابن کمتر است. عرض بوشهر بیست و هشت درجه است، عرض قم سی و چهار درجه است، عرض تنکابن سی و شش درجه است.

بعد فرمودند در جدول سه و چهار این دو روز معین شده. بین این سه منطقه، روز در تنکابن بلندتر است و بوشهر روز کوتاه‌تری دارد. مشاهده میشود که غروب خورشید زودتر از دو شهر دیگر است. بعداً هم در زمستان هم آورده‌اند. در زمستان برعکس است. در نیم کره شمالی روزها کوتاه‌تر است. چون کوتاه است هر چه مثل تنکابن عرضش بیشتر است روزش کوتاه‌تر است. بنابراین درست برعکس تابستان است. طلوعش دیرتر و غروبش هم زودتر است.

در صفحه چهارم هم میفرمایند: حال که به این صورت شد، در غیر از دو روزی که اعتدالین بود، خطی که کره زمین را به شب و روز تقسیم میکند منطبق بر خط نصف النهار نیست و نسبت به آن انحناء دارد. بر این اساس درصورتیکه مبنای شروع ماه قمری برای یک منطقه، وجود ماه در آسمان قبل از غروب آفتاب باشد، نمیتوان گفت که با رؤیت هلال در یک منطقه، برای همان طول جغرافیایی در مناطق غربی تر، ماه قمری شروع شده است. مثلاً اگر در پانزدهم دی ماه در ساعت هجده و هفت دقیقه - یعنی یک دقیقه قبل از غروب - هلال ماه در قم متولد شود، آن شب، شب اول ماه خواهد بود. ولی در تنکابن - چون غروبش زودتر شده - غروبش گذشته و ماه هم هنوز نبوده. ولی در تنکابن که طول جغرافیایی یکسانی با قم دارد، اما عرض آن بیشتر است شب اول ماه نیست. چون غروب شده و گذشته است. زیرا هلال بعد از غروب خورشید در این منطقه متولد شده است و حین غروب خورشید در تنکابن هلال در آسمان نبوده است. همچنین در همان عرض جغرافیایی تنکابن در غرب آن، نقاطی هست که هنوز غروب نشده بود و ماه متولد نشده بود. یعنی غروب شده

بوده و ماه متولد نشده بود. لذا نقاطی هست که آن شب، شب اول ماه نیست. اما در مناطقی که در عرض جغرافیایی با بوشهر یکسان هستند و در شرق بوشهر واقع شده‌اند، مواردی هست که آن شب برای آن‌ها شب اول ماه قمری است. مثل قم؛ آن‌ها دیده‌اند و در قم هم دیده‌اند، با این‌که غروبش دیرتر بوده اما ... .

در ادامه می‌فرمایند: پس می‌توان گفت براساس معیار بودن هلال حین غروب، این گزاره که رؤیت هلال در یک نقطه کاشف از داخل شدن ماه قمری جدید برای مناطق غربی است، مطلق نیست. و اطلاق آن در موردی که تولد هلال مصادف با اعتدالین باشد صادق است. در غیر این مورد رؤیت هلال کاشفیتی نسبت به عنوانین منطقه شرقی ای غربی ندارد. برای حکم نسبت به مناطق شرقی و غربی باید خط مقسّم شب و روز حین تولد هلال ملاحظه شود.

بازبینی #1
ایجاد شده 2 مه 2026 12:40:44 توسط ... .
به روزرسانی شده 2 مه 2026 12:41:31 توسط ... .